





فرویه سال ۱۹۹۸ تک آهنگ (Singl) Ceremony (از آهنگ‌های Crystal Planet) در آمریکا عرضه شد و به دنبال آن در مارس ۱۹۹۸ هشتمین آلبوم ستریانی، Crystal Planet به تهیه‌کنندگی Mike Fraser (تهیه‌کننده G3 Metallica و AC/DC) منتشر شد. این آلبوم که یکی از بهترین آلبوم‌های ستریانی است با استقبال فراوانی در آمریکا و اروپا روبه‌رو شد و فروش بسیار خوبی داشت. در همان ماه آهنگ Summer Song از آلبوم ... G3 live نامزد جایزه Grammy شد و تور بزرگ Crystal Planet در آمریکا آغاز شد.

در ماه می ۱۹۹۸ تور G3 در اروپا همراه Uli Jon Roth (گیتاریست The Scorpions) و Michael Schenker (گیتاریست مشهور heavy metal در گروه‌های The Scorpions و UFO) برگزار شد. از نکات استثنایی این تور این بود که در لندن Brain May (گیتاریست Queen) و در فرانسه Patrick Rondat (گیتاریست سبک Newage که در دو آلبوم Jean-Michel Jarre همکاری داشته) به‌عنوان نوازنده مهمان اجرا داشتند. در ماه جولای همان سال ادامه تور Crystal P. برگزار شد. همچنین آهنگ A Train of Angles (از آلبوم Crystal P.) در سال ۱۹۹۹ نامزد جایزه Grammy شد.

۱۴ ژوئن سال ۲۰۰۰ آخرین آلبوم ستریانی، Engines of Creation، توسط Epic منتشر شد. در هزاره جدید سبک ستریانی هم در این آلبوم تغییر کرد و زمینه شناخته‌شده راک آهنگ‌هایش جایش را به زمینه‌ی تکنو و الکترونیک داد، البته با همان ملودی‌های سرعتی، باابهت و «ستریانی‌بی». سال ۲۰۰۱ در ادامه تورهای G3 ستریانی و دوست همیشگی‌اش Vai این بار با John Petrucci (گیتاریست گروه Dream Theatre) به برگزاری تور پرداختند.

آخرین اثر منتشر شده ستریانی آلبوم Live in San Francisco است که CD آن در ۱۹ ژوئن ۲۰۰۲ و DVD/VHS آن ۲۱ اگوست ۲۰۰۲ به‌بازار آمده است.

جوستریانی، گیتاریست صاحب سبک و پرکار سبک راک «موتورهای آفرینش‌اش» را که در سال ۱۹۷۰ پس از آشنا شدن با جیمی هندریکس روشن شد هنوز خاموش نکرده است و شاداب و جوان در بزرگراه راک می‌تازد. □

اکتبر سال ۱۹۹۵ هفتمین آلبوم او با نام Joe Striani منتشر شد. تهیه‌کنندگی این آلبوم را Glyn Johns برعهده داشت و آهنگ (You're) My World برای جایزه Grammy نامزد شد. Glyn Johns تهیه‌کننده افسانه‌ی راک قبل از این تهیه‌کننده آلبوم‌های Honk Tonk Woman و Jumpin' Jack Flash (Rollin Stones)، Let It Be (The Beatles) و آلبوم Led Zeppelin بوده است.

اکتبر سال ۱۹۹۶ تور بزرگ G3 (مخفف Ghidrah 3 به‌معنای سه‌گیتاریست) با شرکت Steve Vai، دوست قدیمی جو و Eric Johnson در آمریکای شمالی در مقابل جمعاً ۹۰ هزار تماشاچی ۲۴ بار اجرا شد. همچنین می ۱۹۹۷ تور G3 در اروپا با همراهی Vai و Adrian Legg برگزار می‌شود. ۱۵ ژوئن ۱۹۹۷ تور G3 به‌همراه Wayne Shephard Kenny (گیتاریست جوان سبک راک - بلوز از پیروان Steve Ray Vaghaun و Robert Fripp (گیتاریست و نوازنده کی‌بورد سبک Progressive Rock/Art Rock، نوازنده گیتار در گروه مطرح King Crimson بین سال‌های ۶۹ تا ۷۴) در آمریکا شروع می‌شود و در نوامبر همان سال خاتمه می‌یابد. آلبوم G3 Live in Concert (CD و ویدئو) در ژوئن ۱۹۹۷ منتشر می‌شود. این آلبوم شامل یکی از کنسرت‌های تور G3 در سال ۹۶ به‌همراه Vai و Johnson بود که تحسین همگان را برانگیخت. در این آلبوم هرکدام از این سه گیتاریست سه آهنگ را با گروه خود اجرا کردند و در آخر به‌طور دسته‌جمعی آهنگ‌های My Guitar Wants (Don Nix) Going Down، Kill your Mama (Frank Zappa) to (Jimi) Hendrix را اجرا کردند. ستریانی در آن سال با pat Martino نوازنده بزرگ Jazz در ضبط دو آهنگ Ellipsis و Never and After برای آلبوم All Sides Now همکاری کرد. همچنین در نوامبر همان سال آلبوم Merry Axemas - Guitar Christmas به‌کوشش Steve Vai منتشر شد که در آن ۱۱ نوازنده برتر گیتار از جمله Jeff Richie، Steve Morse، Eric Johnson، Beck Kenny، Brain Setzer Orchestra، Sambora و Wayne Shephard Satriani و یکی از آهنگ‌های کلاسیک کریسمس را انتخاب و اجرا کردند.

Alien به‌موفق‌ترین آلبوم Rock-Instrumental تا آن زمان (Jeff Beck) Wired بود، تبدیل شد. آثار جو به‌واسطه قابلیت خیره‌کننده‌اش در نواختن آن‌چه احساس می‌کند و آن‌چه مردم می‌خواهند بسیاری از آرزوهایش را برآورده کرد و موفقیت‌های اقتصادی فراوانی برایش به‌همراه آورد.

در ماه‌های فوریه، مارس، سپتامبر و اکتبر سال ۱۹۸۸ ستریانی در دو تور با Mick Jagger که از Rolling Stones جدا شده بود به‌عنوان نوازنده لیدگیتار شرکت کرد. در نوامبر ۱۹۸۸ او آلبوم Dreaming #11 را منتشر کرد که سه آهنگ آن در ۱۱ ژوئن همان سال در تور Surfing with Alien در San Diego ضبط شده بود. این آلبوم دومین نامزدی جایزه Grammy را نصیب‌اش کرد. همچنین در این سال در یکی از آلبوم‌های Stuart Hamm بنام Radio Free Albemuth برای سه آهنگ گیتار زد.

اکتبر ۱۹۸۹ آلبوم بعدی ستریانی بنام Flying in a Blue Dream منتشر شد که به‌زودی به آلبوم موفق تبدیل شد. به‌خاطر این آلبوم جو برای سومین بار نامزد جایزه Grammy شد و آلبوم بیش از ۷۵۰,۰۰۰ نسخه به‌فروش رفت. در این آلبوم جو در شش آهنگ به‌عنوان خواننده هم ظاهر شده است. سال ۱۹۹۱ ستریانی به‌همراه Steve Vai در آلبوم Hey Stupid! Alice Cooper (خواننده heavy metal) در آهنگ Freed My Frankenstein گیتار نواختند. پس از تقریباً دو سال نوشتن و ضبط، آلبوم بعدی ستریانی آماده شد. جولای ۱۹۹۲ آلبوم The Extremist به‌بازار آمد و به یکی از بزرگترین موفقیت‌های تجاری او تبدیل شد. آهنگ Summer Song چهارمین نامزدی جایزه Grammy را نصیب او کرد. از این آهنگ بعداً در تبلیغ واکمن sony استفاده شد.

سال ۱۹۹۳ در ماه اکتبر آلبوم Machine (دو CD) با آهنگ‌هایی جدید و چند اجرای زنده به بازار آمد. این آلبوم به موفقیت‌های زیادی دست یافت و پنجمین نامزدی Grammy را نصیب‌اش کرد. سال ۱۹۹۴ ستریانی به همراه گروه مطرح هارد راک Deep Purple به جای گیتاریست گروه Ritchie Blackmore در چند تور در ژاپن و اروپا شرکت کرد و پس از آن دوباره بر سر کار خود برگشت. او با Deep Purple هیچ ضبط استودیویی نداشتند.



**گفت‌وگو با جو ستریانی**

شما چطور به سبک techno-electronica علاقه‌مند شدید و آن را در Engines of Creation به‌کار ببرید؟

طی پنج سال گذشته که در سراسر جهان تور برگزار می‌کردم و با انواع موسیقی روبه‌رو می‌شدم و زمان‌هایی که مجبور نبودم مدت زیادی را صرف

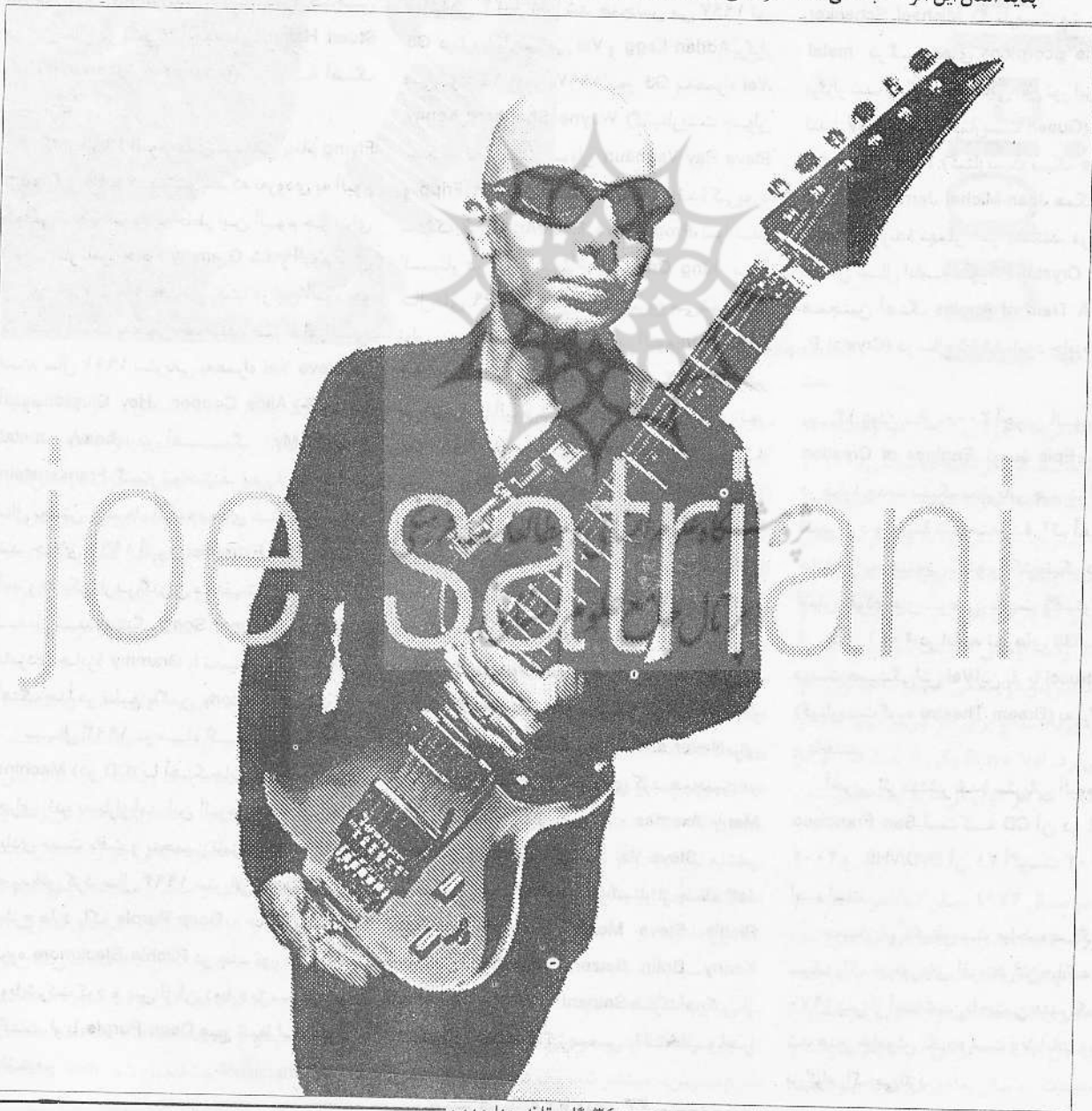
نوشتن آهنگ بکنم به این قضیه فکر کردم و به این نتیجه رسیدم. زمانی که سرگرم برگزاری تور هستی در واقع زمانی‌ست که از نوشتن دست‌کشیده‌یی و تمام ذهن‌ات بر روی اجرا متمرکز شده است، و من [در این زمان] معمولاً بیشتر می‌توانم به این قضیه بپردازم که چرا اتفاقاتی، به‌خصوص خارج از آمریکا، دارد می‌افتد. نسل تکنو، الکترونیک و هیپ-هاپ

آخرین اثر جو ستریانی، آلبوم Engines of Creation شاید برای خیلی‌ها به‌خصوص گیتاریست‌ها، بیگانه باشد. او در این اثر به دنیای DJها و re-mixerها پانهاده و با استفاده از استعداد و خلاقیت‌اش بین گیتار و تکنو، پیوندی به‌وجود آورده است. او در این گفت‌وگو دربارهٔ پدید آمدن این اثر صحبت می‌کند.

بسیار پررونق و شکوفاست. شما درمی‌یابید که این‌ها از تمام رسانه‌ها شنیده می‌شوند. من با این‌ها روبه‌رو شدم و بهشان علاقه‌مند شدم و تصمیم گرفتم چیز متفاوتی بسازم. با خودم گفتم: «خب، این واقعاً یک کار جالب خواهد بود».

آیا مدت زمانی را در کلوب‌های تکنو گذراندید؟

این چیزی‌ست که زمانی اتفاق می‌افتد که برای تور بیرون هستید و کار دیگری ندارید بکنید. کار روزانه‌تان تمام شده، شب‌ها در خیابان قدم می‌زنید، صداها را دنبال می‌کنید و خود را این‌جاها می‌یابید اما این جالب توجه است، من اکثراً در پیدا کردن موسیقی‌های جالب و نامتعارف در اینترنت موفق





هستم و این واقعاً اتفاقیه. در عین حال این روزها موسیقی هم‌جا هست و این واقعاً برنامه‌ریزی شده و حساب شده است. اینترنت هم جاییه که پراز این چیزهاست. شما می‌توانید تمام دنیا را بگردید و آن‌ها را بدون هیچ فیلتری پیدا کنید.

آیا منظورتان از برنامه‌ریزی شده، توسط شرکت‌ها و مدیران برنامه‌ریزی موسیقی است؟

ببینید، دور و بر ما پر از موسیقی است و مقدار زیادی از آن‌ها برای موقعیت و زمینه خاص و مشخصی ساخته شده‌اند و لزوماً به درد جای دیگری غیر از آن زمینه نمی‌خورند. اما در همان زمینه و موقعیت بسیار حساب شده هستند. مثلاً شما در یک هتل هستید و سوار آسانسور می‌شوید، در آن آسانسور نوای موسیقی به گوش می‌رسد و غیر آن موسیقی به خصوص هیچ موسیقی دیگری در آسانسور پخش نخواهد شد. در هواپیما وقتی منتظر برخاستن هواپیما هستید موسیقی خاصی پخش می‌شود، نوعی خاص که می‌گوید: «ما می‌خواهیم پرواز کنیم». و تمام چیزهایی که در تلویزیون می‌شنوید بسیار هوشمندانه برای زمینه‌یی که می‌خواهد بیان شود انتخاب شده است. این همان راهی است که رادیو از آغاز داشته است. ایستگاه‌های خاص رادیویی که در پس آن هادالارهای تبلیغاتی خاصی نهفته است برای مخاطبان به خصوص تنظیم شده است. منظورم از زمینه و موقعیت دقیقاً این است.

زمانی که در اینترنت گشت می‌زنید و موسیقی گوش می‌دهید آیا هنرمندان شناخته شده الهام‌بخش شما هستند یا آن‌هایی که زیاد شناخته شده نیستند؟

ببینید، من از این میان یک پروژه برگزیدم. باخودم فکر کردم «این همیشه خوبه که رکوردهای [قطعات ضبط شده در استودیو] کمی داشته باشی، می‌توانی اون‌هارو با خودت به استودیو ببری و بگی «این بهترین صداریه، این رکورد دیوانه‌کننده‌ترین هیاهو noise رو داره، یا «این رکورد تنظیم بسیار جالبی داره» یا «این آهنگ خیلی عالی» من خیلی تحت تأثیر رکوردهای خوب قرار می‌گیرم. اما تعهد ویژه‌یی به‌تم و به مسیر و جهت دارم. دلیلش اینه که من نمی‌خواستم فقط یک رکورد تکنوی خوشایند بسازم یا صرفاً الکترونیک رو تأیید کنم. من می‌خواستم یک رکورد واقعی «جوستریانی» با ملودی‌های واقعی بسازم، آهنگ‌هایی واقعی با تمام اون چیزهایی که موقع ساخت از خودم انتظار دارم.

و به‌طور جدی می‌خواستم اون‌رو در سبکی متفاوت بسازم. فکر کردم «من می‌خواهم دست‌کم رکوردهایی رو پیدا کنم که فکر می‌کنم در جهت هدفم متعهد هستند و با آن همخوانی دارد». پس این‌جوری نبود که صرفاً دارم با سبک خاصی، بدون هیچ دلیل و هدفی، ورمی‌روم.

خب اون رکوردها کدام‌ها بودند؟

رکوردهایی، مثل Vegas (Crystal Method)، Bjork Homogenic (Massive Attack)، The Fat of the Land، Protection (Prodigy).

خدای من! انگار سال‌ها پیش بود، ما ضبط‌رو در جولای گذشته تمام کردیم. به‌رحال من مشخصاً این کارو کردم ولی خب این کار برای آدم راهنماست. تمام آن رکوردها باهم متفاوت بودند ولی فکر می‌کنم همه‌شون برایم خیلی خوب جا افتادند. این رکوردها در عین یکنواختی‌شان تم‌هایی بسیار عالی را عرضه می‌کنند. در واقع اگر آدم در وضعیت mood مناسبی باشه می‌تواند به این رکوردها گوش

بدهد و لذت ببرد و اصلاً هم زده و ناامید نمی‌شود. دلیلش هم این است که حس و حال و فضا را تا آخر آهنگ حفظ می‌کنند و من فکر می‌کنم بعضی از اون‌ها مثل [رکورد] Massive Attack یا Bjork

زمینه‌هایی هستند برای عرضه اجراهای کلامی Vocal عالی. البته من می‌دانستم که قصد دارم - و شغلم هم همین بود - که آن‌ها را جابه‌جا کنم و واقعاً کنجکاو بودم بدانم آن گروه‌ها چطور با موسیقی‌یی که ما را احاطه کرده رابطه برقرار کرده‌اند و چگونه این امکان را به‌وجود آورده‌اند که این اجراهای کلامی عالی و تک به‌وجود بیاید و همچنان این کارها را به شیوه‌یی مدرن انجام دهند، نه با آن روش کهنه را که اندرول. من تجربه‌های زیادی در ساخت و ضبط موسیقی دارم که گیتار ملودی را می‌نوازد. من این کارها را بسیار انجام داده‌ام و مردم کارهای مرا بسیار شنیده‌اند که دارم این کارها را انجام می‌دهم ولی این زمینه‌یی جدید است و من می‌خواستم کارم با فضا کاملاً همخوانی داشته باشد. این قضیه محتاج این بود که من احساسات و حساسیت‌هایم را کمی تغییر بدهم، می‌بایست بخشی از سبک شخصی‌ام را کنار می‌گذاشتم، مثل بعضی از کنش‌های تکنیکی. که هر دو چیز را داشته باشم هم پس‌زمینه back ground و هم خود اجرا را، طوری که باهم همخوانی کامل داشته باشند. قسمتی از مشکلاتم این بود که چیزهایی که می‌خواستم بسازم از سبکی می‌آمد که

از گیتار و تکنوازی گیتار فاصله داشت و این که فکر کردیم: «بسیاری وقت‌ها که به یک رکورد خوب الکترونیک یا trip-hop گوش می‌دهی می‌بینی که هیچ‌کس توی آن سولو نمی‌زند». بعضی وقت‌ها آدم کمابیش کاری در همان سبک و سیاق انجام می‌دهد و بعد یک سولو هم توی آن می‌چیند ولی ممکن است کارش نگیرد. این یک فرم عملی نیست. یا ممکنه مردم اون‌رو بشنوند و بگویند «شکنه همین‌جوری پیش بره و تا شش دقیقه دیگر هم چیز دیگری نزنند». (می‌خندد) جالب بود، در حالی که مقداری رکورد داشتم که دوست داشتم در ساعات مختلف روز به آن‌ها گوش بدهم در عین حال می‌دانستم در حال رقابت هستم. ما در حال انجام کاری بودیم که هیچ‌کس تا به حال آن را انجام نداده بود. می‌دیدیم کسی تا به حال این کار را نکرده است که برای به‌دست آوردن یک قطعه بهتر گیتار و تکنو را باهم به‌کار ببرد به‌طوری که از آهنگ اول تا آهنگ آخر تعهد به مسیر و هدف حفظ شود.

بسیاری از مردم، به خصوص گیتاریست‌ها، کل ژانر تکنو را ضد موسیقی می‌دانند. شما در این باره چه احساسی دارید؟

من فکر می‌کنم این عقیده کاملاً غلط است، چیز دیگری درباره‌اش نمی‌توانم بگویم. هر وقت کسی بخواهد درباره موسیقی تصمیمی بگیرد لازم است که شعور موسیقی داشته باشد. فکر می‌کنم کاملاً روشن است که آدم‌های زیادی هستند که می‌توانند ساز بزنند و آثاری می‌زنند که مبتذل شمرده می‌شود. اون بیرون سیل زیادی از رکوردهایی هست عاری از خلاقیت، تقلبی، بی‌فایده و آزاردهنده‌اند. به‌رحال یک بچه سیزده ساله که مثلاً نوازنده بلوز است باید با تعصبات بجنگد چون مثلاً مردم فکر می‌کنند او بچه است، یا اهل جای نامناسبی از شهر است، یا رنگ پوست‌اش نامناسب است، هر چی - یا این‌که قطعه‌یی می‌زند یا کار می‌کند قبلاً هرگز انجام نشده و به‌خاطر آن تحقیر می‌شود. این مضحک است. به‌همین خاطر این چیزها برایم مهم نیست. من در زندگی‌ام، به‌عنوان یک موزیسین، بیشتر غیر موزیسین‌ها را با گیتارهایی آویزان برگردن‌شان دیدم تا موزیسین و متأسفانه افراد کمی را دیدم که واقعاً شعور موسیقی داشته باشند و به ابزار مدرن موسیقی دسترسی داشته باشند. به‌رحال فرقی نمی‌کند که خوش‌تان بیاید یا نیاید کامپیوتر یک ساز پیشرفته الکترونیک مدرن است. □